

تحلیل عوامل و فرایندهای مؤثر بر تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه کالبدی مناطق روستایی ایران

سیدعلی بدری^{۱*}، محمدرضا رضوانی^۲، پروین خدادادی^۳

۱. استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

۲. استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

۳. دکترای جغرافیا، دانشگاه تهران

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۶)

Analysis of Factors and Processes Affecting the Formulation of Spatial Policy-Making of Physical Dilll ppmttt nnnsssss Rural Areas

Sayed Ali Badri¹, Mohammadreza Rezvani², Parvin Khodadadi³

1. Professor, Department of Geography, University of Tehran

2. Professor, Department of Geography, University of Tehran

3. Ph.D of Geography, University of Tehran

(Received: 28/Jun/2019

Accepted: 24/Feb/2020)

Abstract

Iran's rural sector faces many problems in terms of ecological, physical, economic and social dimensions. These problems lead to the situation in which villages become places for high-income urban groups, physical unrest, land use change, and a lack of attention to the process of developing policies and programs against their products and outcomes. As a result, the future of physical development in rural areas faces a serious challenge. The aim of the present study was to analyze the current situation in the framework of developing a spatial policy for the sustainable physical development of rural areas of the country. In this regard, both the content of rural development policies and the process of formulating these policies and the role of effective factors in it have been examined. The method of obtaining cognition in this research is qualitative, which is divided into two methods: 1- method of analysis of directional qualitative content; and 2 - Grand Theory. The results show that the existing spatial policy development framework for sustainable physical development of rural areas in Iran consists of policy factors, policy processes and policy content. Important factors such as the lack of general policies of the political system in rural development, centralism and the marginal position of rural society at the national level affect the framework of spatial policy development. Also, current policy processes, following the factors, have several challenges that include sectoral and centralized policies, as well as the lack of coherence and coordination of agencies in the development of programs. Therefore, solving these challenges requires reforming processes and institutions instead of expanding administrative organization, integrating agricultural and rural development policies, and ultimately creating and strengthening clusters, systems, and networks. Analysis of the qualitative content of the documents showed that the factors of planning, budgeting and formulation of national sustainable development strategy, the need for coordination of sectors and communication of different national and local levels as well as economic dimension, infrastructure-physical dimension have the greatest role and influence in developing spatial development policy of rural areas.

Keywords: Policy Process, Spatial Planning, Rural Areas, Physical Development, Qualitative Content Analysis.

چکیده

روستاهاى ایران با مشکلات عدیده اى در ابعاد اکولوژیکى، کالبدى، اقتصادى و اجتماعى روبه رو هستند. مجموعه مشکلات فوق منجر به تبدیل روستاها به مکانى برای استقرار گروه‌هاى پردرآمد شهرى، اغتشاش کالبدى، تغییر کاربرى اراضى و عدم توجه به فرآیند تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها در برابر فرآورده و برآیند آنها مى‌شود و در نتیجه، آینده توسعه کالبدى مناطق روستایی با چالشى جدی مواجه است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل وضعیت موجود چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه پایدار کالبدى مناطق روستایی کشور انجام شده است. در این راستا، هم محتوای سیاست‌هاى توسعه روستایی و هم فرآیند تدوین این سیاست‌ها و نقش عوامل مؤثر در آن مورد بررسی قرار مى‌گیرند. دستیابی به شناخت در این پژوهش با استفاده از دو روش تحلیل محتوای کیفی جهت دار و نظریه داده‌بنیاد (گراند تئوری) انجام شده است. نتایج نشان مى‌دهد که چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی موجود توسعه پایدار کالبدى مناطق روستایی در ایران متشکل از عوامل سیاست‌گذاری، فرایندهاى سیاست‌گذاری و محتوای سیاست‌هاست. افزون بر این، عوامل مهمی نظیر نبود سیاست‌هاى کلی نظام در توسعه روستایی، تمرکزگرایی و جایگاه حاشیه‌ای جامعه روستایی در سطح ملی بر چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی نیز اثرگذار است. همچنین، فرایندهاى کنونی سیاست‌گذاری، چالش‌هاى متعددی دارند که دربرگیرنده سیاست‌هاى بخشى و متمرکز و نیز عدم انسجام و هماهنگی دستگاه‌ها در تدوین برنامه‌ها مى‌باشند. تعدیل چالش‌هاى یادشده مستلزم اصلاح فرایندها و نهادها به جای گسترش تشکیلات ادارى، یکپارچگی سیاست‌هاى توسعه کشاورزى و روستایی و در نهایت ایجاد و تقویت خوشه‌ها، منظومه‌ها و شبکه‌هاى روستایی است. تحلیل محتوای کیفی اسناد نشان داد که عوامل برنامه‌ریزى، بودجه‌ریزى و تدوین استراتژی ملی توسعه پایدار بیشترین نقش واثربخشى را در تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه روستایی داشته و بعد از آن، لزوم هماهنگی بخش‌ها و ارتباط سطوح مختلف ملی و محلی و نیز بعد اقتصادى، بعد زیربنایی - کالبدى قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: فرآیند سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری فضایی، مناطق روستایی، توسعه کالبدى، تحلیل محتوای کیفی.

مقدمه

سرزمین‌های وسیع روستایی کشور (بیش از ۵۰ درصد مساحت کشور)، کم و بیش غنی از منابع و ظرفیت‌های گوناگون برخوردار است. با نگاهی به جایگاه روستا در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور ملاحظه می‌شود که به‌رغم اهمیت و جایگاه مناطق روستایی در فرآیند توسعه کشور چه از نظر کارکرد اقتصادی - تولیدی مانند نرخ اشتغال ۸۷,۴ درصد (بالا تر از متوسط کشوری ۸۵,۲ درصد) و نرخ مشارکت اقتصادی ۳۹,۵ درصد (بالا تر از متوسط کشوری ۳۸,۱ درصد)، سهم ۲۶ درصدی از ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی و کمک به امنیت غذایی از طریق تولید ۹۳ درصدی محصولات کشاورزی، این مناطق از جایگاه قابل قبولی در زمینه‌های مختلف مانند رفاه و کیفیت زندگی روستاییان، بهبود محیط زیست، تنوع اقتصادی و شغل، بهره‌وری تولید و نیروی کار بهره‌مند نیستند (معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۹۸). متأسفانه روستاهای ایران در حال حاضر با مشکلات عدیده‌ای در سه بعد توسعه پایدار از جمله بعد اکولوژیکی، بعد اقتصادی و بعد اجتماعی روبه‌رو هستند. در دهه‌های اخیر روند روزافزون مهاجرت از روستاها به شهرها، خالی از سکنه شدن روستاها، فقدان ظرفیت‌های اشتغال در روستاها، مشکلات و مسائل زیست‌محیطی و تبدیل روستاها به مکانی برای استقرار گروه‌های پردرآمد شهری (ایجاد و گسترش خانه‌های دوم) و در نتیجه آن اغتشاش کالبدی، تغییر کاربری اراضی و نبود دیدگاه سیاست‌گذاری جامع و یکپارچه، موجب شده که آینده توسعه کالبدی مناطق روستایی با چالشی جدی مواجه شود. در این بستر، نهادهای متولی امر سیاست‌گذاری روستایی کشور طی سال‌های گذشته همواره دچار نوعی همپوشانی در وظایف و مسئولیت‌ها بوده‌اند که این همپوشانی‌ها مانع برخورد مناسب و جامع برای به کارگیری از فرصت‌های آن و حفظ جامعه از آسیب‌ها و تهدیدهای آن بوده است.

از مهمترین دلایل مشکلات یاد شده می‌توان از عدم توجه به فرآیند تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها در برابر فرآورده و برآیند آنها یاد کرد. از سوی دیگر، در حالی که سیاست‌های کلی بخش صنعت، کشاورزی، اشتغال، تولید، محیط زیست و شهرسازی کشور تدوین و تصویب شده، اما مناطق روستایی ایران فاقد سیاست‌های کلی توسعه است و مقوله روستا و توسعه روستایی در سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و برنامه‌های

مختلف به صورت پراکنده و بخشی بیان شده است (مؤسسه عالی آموزش پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۱: ۲۴). در نتیجه نقش و جایگاه جامعه روستایی در فرآیند توسعه ملی تعریف و تبیین نشده و اقدام خاصی برای تدوین چشم‌انداز توسعه روستایی کشور به عمل نیامده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۷)

از آنجایی که طراحی و تدوین سیاست‌های توسعه روستایی فرآیندی پیچیده بوده و نیازمند هماهنگی میان تمام بخش‌ها، سطوح مختلف دولت و کنشگران عمومی و خصوصی است (Prager et al, 2015: 122) امر سیاست‌گذاری باید از نقطه کانونی و مجرای واحد انجام گیرد تا بتواند با ایجاد هماهنگی و همگرایی بین کنشگران و ذینفعان سیاست‌گذاری فضایی روستایی کشور مقدمات بهره‌گیری جامعه از حداکثر فرصت‌ها و پیشگیری از آسیب‌های آن را فراهم آورد.

بنابراین در رویکردهای جدید سیاست‌گذاری روستایی، پیوندهای میان سطوح و بخش‌های مختلف برای تدوین سیاست‌ها در نظر گرفته می‌شود. برای مثال:

- مدل شبکه روستایی^۱ متشکل از روابط و کنش متقابل دوسویه^۲ میان کنشگران، منابع، فعالیت‌ها، بخش‌ها و مکانها^۳ درون یک ناحیه روستایی است (Ventura et al., 2008; 150; Van der Ploeg and Marsden, 2008: 274).

- سیاست‌های مکان محور^۴ در توسعه روستایی شامل چهار عنصر کلیدی است: تمرکز روی یک مقیاس قلمرویی (مکانی) ویژه؛ راهبرد توسعه درون‌زا بر اساس منابع محلی؛ نظام حکمروایی چندسطحی؛ و تمرکز بر سرمایه‌گذاری به جای پرداخت یارانه (Ibid: 275).

- برنامه سکونتگاه‌های روستایی هوشمند اتحادیه اروپا (۲۰۲۰-۲۰۱۴) در جست‌وجوی تمرکز بر مکان‌ها با هدف اتخاذ راهکارهای متناسب با فرصت‌ها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف هر مکان و ایجاد یکپارچگی میان بخش‌های مختلف در این مکان‌ها است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۷).

- رویکرد توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی به

1. rural web

2. Interrelations, interactions, encounters and mutuality

3. actors, resources, activities, sectors and places

4. place – based policy

سیاست‌گذاری توسعه روستایی کشور مشخص می‌شود. همچنین، فرآیندها و عوامل اثرگذار بر تدوین سیاست‌گذاری فضایی مناطق روستایی از طریق مصاحبه با نخبگان شناسایی و در چارچوب نظریه داده بنیاد سازماندهی می‌شود.

بنابراین، با توجه به بیان مسأله پژوهش، پرسش نخست به چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی موجود و پرسش دوم به عوامل اثرگذار بر چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه مناطق روستایی کشور می‌پردازد.

۱. چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی موجود توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی در ایران چگونه است؟
۲. نقش عوامل مؤثر در تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی در ایران به چه میزان است؟

سیاست‌گذاری فرآیندی به معنی توالی متقابل مراحل و رویدادهاست. با توجه به چنین دیدگاهی، فرآیند سیاست‌گذاری می‌تواند به عنوان گسترش یافتن در بستر فضا و زمان، ترکیب کردن اقدامات و اهداف، تصمیمات و همچنین فقدان تصمیم سازی، پیامدهای آن در جامعه و نبود نظام سیاسی تعریف شود (De Marchi et al., 2016: 19).

امروزه، رایج‌ترین فرآیند برای تشریح یک فرآیند سیاست‌گذاری توسط هیل، جان و وگریچ (Hill 1997: 24; Jann and Wegrich 2007: 45) به شرح زیر بسط داده شده است:

۱ - تنظیم دستورکار^۵؛ تدوین سیاست^۶؛ تصمیم سازی^۷؛ اجرا^۸؛ ارزشیابی^۹
سیاست‌گذاری فضایی مفهوم چند بعدی و پیچیده است. ویلیامز^{۱۰} (۱۹۹۶) بین برنامه‌ریزی فضایی^{۱۱} و سیاست فضایی^{۱۲} تمایز قائل می‌شود و برنامه‌ریزی فضایی را به عنوان روش و طرزکاری که بر تخصیص فعالیت‌ها در فضا در آینده اثرگذار است و یا به عنوان تنظیم و اجرای سیاست فضایی در هر مقیاس جغرافیایی، تعریف می‌کند، اما سیاست‌های فضایی دربرگیرنده همه سیاست‌ها با هدف تأثیرگذاری بر تصمیمات مکانی و کاربری زمین یا توزیع فعالیت‌ها در هر مقیاس

دنبال بهبود محیط و بستر زیست انسان با هدف تخصیص بهینه فضا به فعالیت‌های گوناگون به منظور ایجاد بهترین حالت تعادل در میان عناصر چهارگانه انسان، فرم، فضا و فعالیت است (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴).

در ایران چهار سطح برای سیاست‌گذاری وجود دارد که در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر جامعه را مدیریت می‌کنند:
۱. سطح ابر سیاست‌ها (رهبری نظام و ستادهای تخصصی ایشان)؛

۲. سطح سیاست‌ها (دولت به مفهوم سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه یا مدیریت سیاسی)؛

۳. سطح راهبردهای سیاستی (مدیریت دولتی)؛

۴. سطح راهبردهای بنگاهی (مدیریت بخش خصوصی).

به عبارت دیگر، سطح نخست سیاست‌های کلان را تدوین و سطح دوم در پرتو آنها، سیاست‌های عمومی را وضع می‌کند و سطح سوم ضمن دخالت در تدوین سیاست آن را به اجرا درمی‌آورد و سطح چهارم در کنار مدیریت دولتی به تحقق اهداف کلان کشور در پرتو تدوین راهبردهای بنگاهی کمک می‌کند (دانایی فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۲ - ۱۴۱).

پژوهش حاضر با هدف تحلیل وضعیت موجود چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی کشور انجام شده است. در این ارتباط، هم محتوای سیاست‌های توسعه روستایی و هم فرآیند تدوین این سیاست‌ها و نقش عوامل مؤثر در آن مورد شناخت و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، دو رویکرد عمده را در مطالعات سیاست‌گذاری می‌توان تشخیص داد: رویکرد نخست، که به آن تجزیه و تحلیل سیاست می‌گویند که با مطالعه سیاست‌ها، محتوای آن‌ها بررسی می‌شود؛ اما در رویکرد دوم، فرآیند و مسیری مورد بررسی قرار می‌گیرد که در نهایت به سیاست‌ها منتهی می‌شود (منوریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

از این‌رو، تحلیل محتوای کیفی اسناد سطوح اول و دوم سیاست‌گذاری فضایی توسعه روستایی کشور مبنای پژوهش قرار دارد. به عبارت دیگر، از طریق تحلیل محتوای کیفی سطح ابر سیاست‌ها (شامل سیاست‌های کلی نظام و سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور)، و سطح سیاستی (شامل قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور و قوانین دایمی مصوب مجلس شورای اسلامی)، جهت‌گیری تدوین سیاست‌های فضایی توسعه مناطق روستایی در اسناد

5. agenda setting
6. policy formulation
7. decision making
8. implementation
9. evaluation
10. Williams
11. spatial planning
12. spatial policy

توسعه پایدار و با دیدگاه سرزمینی مورد توجه قرار می‌گیرد. در دیدگاه سرزمینی، تمامی بخش‌های اقتصادی و اجتماعی بر اساس بهره‌برداری از ظرفیت‌های محلی و نیز مشارکت میان سازمان‌های خصوصی و نهادهای دولتی در تمامی عرصه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند (OECD, 2003: 50).

با توجه به تغییرات اساسی در زمینه سیاست‌گذاری روستایی، کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) به دنبال گسترش راهبردی چندبخشی^{۲۲} و مکان محور (فضایی) هستند. این راهبرد در قالب «پارادایم جدید روستایی»^{۲۳} مطرح می‌شود.

در واقع تجربه کشورهای عضو OECD از چرخش در چهار رویکرد موضوعات توسعه روستایی، اهداف کلیدی توسعه روستایی، ابزارهای توسعه روستایی و بازیگران کلیدی توسعه روستایی حکایت می‌کند. این موضوع از مقایسه میان پارادایم قدیم و جدید روستایی مشهود است (جدول ۱).

جغرافیایی است (Cheshire, 2017: 13). این رویکردهای سیاستی مختلف و ابزارهایی که از طریق آن سیاست‌ها به اجرا درمی‌آیند، هر کدام منطق فضایی مختلفی دارند. اصطلاح منطق فضایی^{۱۳} توسط لوئیز آلبرشت^{۱۴} (۲۰۰۴)، مانوتل کاستلز^{۱۵} (۲۰۰۰) و هانری لوفور^{۱۶} (۱۹۹۱) استفاده شده که آنها مفهوم‌سازی درونمایه فضایی در فرآیندهای اجتماعی مختلف است. برای مثال، کاستلز منطق فضایی چشم‌انداز روستایی را با فضای جریان‌های^{۱۷} زنجیره کالاها جهانی مقایسه می‌کند.

سیاست‌گذاری توسعه روستایی^{۱۸} جنبه‌هایی از اقدامات دولتی است که بطور مستقیم یا غیرمستقیم، ماهیت توسعه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی نواحی روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عناصر کلیدی در سیاست‌گذاری فضایی روستایی شامل مکان‌ها^{۱۹}، مردم^{۲۰} و فعالیت‌ها^{۲۱} هستند. برای موثر واقع شدن سیاست‌های فضایی در توسعه روستایی، باید سه بعد معین زندگی روستایی (مردم، مکان و فعالیت اقتصادی) با

جدول ۱. مقایسه پارادایم قدیم و جدید توسعه روستایی

پارادایم جدید	پارادایم قدیم	پارادایم
رقابت‌پذیری مناطق روستایی، تثبیت ارزش دارایی‌های محلی، بهره‌برداری از منابع بلااستفاده	ایجاد برابری، درآمد مزرعه، رقابت مزرعه‌ای	موضوعات
بخش‌های مختلف اقتصاد روستایی (مانند گردشگری، تولید، فناوری اطلاعات، صنعت)	کشاورزی	اهداف
سرمایه‌گذاری	یارانه و کمک‌های مالی	ابزار
تمام سطوح حکمروایی (فراملی، ملی، منطقه‌ای)، گروه‌های ذینفع محلی (عمومی، خصوصی و سازمان‌های مردم نهاد)	دولت ملی، کشاورزان	بازیگران

OECD, 2006: 15

13. spatial logic
14. Albrechts
15. Castells
16. Lefevrve
17. 's. ace of lfows □
18. Rural development policy
19. places
20. people
21. activities

22. multi - sectoral
23. New rural paradigm

به بیان دیگر، برنامه‌ریزی فضایی یکپارچه بخشی از این ایده است که سیاست‌گذاری قبلاً به سیاست‌های مجزایی (سیلو) ^{۲۸} تقسیم شده بود لذا، برنامه‌ریزی باید کلی تر و جامع تر باشد. ادبیات برنامه‌ریزی فضایی نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی قرن بیستم به طور جدی حول حوزه‌های سیاستی مجزا شکل گرفته است (Allmendinger & Houghton, 2012: 90). رویکرد مجزا (سیلویی) در سیاست‌گذاری به دلیل شکست آن در ایجاد نتایج مناسب مورد انتقاد قرار گرفت. برای مثال هوتان ^{۲۹} و همکاران (۲۰۱۰) چالش‌های ایجاد شده در لیدز (انگلستان) را به تمرکز صرف اقتصادی بر راهبرد شهر - منطقه‌ها نسبت داده اند (Houghton et al, 2010: 123). برنامه‌ریزی فضایی در پی یکپارچه سازی طیفی از بخش‌های سیاستی و دستورکارهای آنهاست (Albrechts, 2004: 744).

شورتل (۲۰۰۴) با در نظر گرفتن روندهای جهانی و سیاست‌های اتحادیه اروپا معتقد است در مقیاس جهانی شاهد ترویج تمرکززدایی و مشارکت مردم هستیم، در حالیکه از منظر سیاست‌های اتحادیه اروپا تغییری کارکردی از سیاست‌های حمایتی و بخشی (کشاورزی) به سمت سیاست‌های فضایی (روستایی) وجود دارد (Shortall, 2004: 35).

همراه با این دگرگونی‌ها، پارادایم سیاست‌گذاری روستایی و کشاورزی نیز در کره جنوبی تغییر کرده است. با توجه به سرمایه گذاری بزرگ در بخش کشاورزی در طول دو دهه گذشته (OECD, 2009: 24)، سیاست‌های کشاورزی اخیر در کره جنوبی به سوی سیاست‌های فضایی گسترش یافته است که تمرکز آن بر ارتقای محیط زیست سکونت و زیست پذیری اجتماعی در جوامع روستایی است (Lee & Kim, 2011: 7).

در کشور یونان فرآیند تمرکززدایی سیاست‌های توسعه روستایی و کشاورزی از طریق ایجاد چارچوب‌های نهادی جدید و تخصیص مجدد اختیارات اداری صورت گرفته است. اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که علیرغم تلاش‌های چشمگیر برای تمرکززدایی، توسعه روستایی همچنان بر طراحی و اجرای سیاست‌های دولت مرکزی متکی است. رویکرد بالابه پایین و بخشی‌نگری همچنان بر طراحی سیاست‌های روستایی غلبه دارد. بنابراین، توزیع مجدد مسئولیتها و افزایش اختیارات لزوماً موجب بهبود نتایج سیاست‌ها نمی‌شود. در نتیجه، آنچه مورد

در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، پارادایم غالب در سیاست‌گذاری روستایی در اغلب کشورهای توسعه‌یافته، توسعه حفاظت شده کشاورزی ^{۲۴} بود (Cockfield, 2013: 129). نظام منطقه‌گرایی قدیم ^{۲۵} از اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی شروع به افول نمود که این امر ناشی از فشار جهانی شدن، برون‌سپاری ^{۲۶}، مقررات‌زدایی ^{۲۷} و بحران اقتصاد کلان جهانی بود. پیامد متلاشی شدن صنایع متمرکز دولتی و کاربر منجر به افزایش رقابت جهانی و متنوع‌سازی اقتصادی شد (Reimer and Markey 2008: 5). ظهور نظام اجتماعی منطقه‌گرایی جدید (جدول ۲) با ویژگی‌های انعطاف‌پذیرتر، متنوع‌تر و دارای ساختاری افقی‌تر نسبت به منطقه‌گرایی قدیم است که ذینفعان مختلفی در نظام حکمروایی سیاست‌گذاری روستایی دخالت دارند (Reimer and Brett, 2013: 274).

جدول ۲. تفاوت‌های میان منطقه‌گرایی قدیم و جدید

منطقه‌گرایی جدید	منطقه‌گرایی قدیم
نظام شبکه‌ای	نظام سلسله‌مراتبی
حکمرمایی	حکومت
فرآیند	ساختار
باز	بسته
همیاری	هماهنگی
اعتماد	پاسخگویی
قدرتمندسازی	قدرت

Wallis, 2002: 5

در ادبیات جهانی بر تغییر رویکردهای سیاست‌گذاری روستایی از رویکردهای بالا به پایین به سمت رویکردها و سیاست‌های پایین به بالا تأکید می‌شود که از ویژگی‌های بارز آن الگوی غیرمتمرکز سیاست‌گذاری و گذار از حکومت به حکمرمایی است (Hermans et al., 2008: 808; Pike et al., 2006: 129; Hurlings, 2011: 68). برای مثال، از دهه ۱۹۹۰ سیاست‌هایی که هدف آن مشارکت اجتماعات محلی، توسعه درونزا و رویکردهای پایین به بالا و مشارکتی بود در اروپا و سایر نقاط جهان گسترش یافتند (Lovan et al., 2004: 19; High and Nemes, 2007: 17).

24. 'Protected development' of agriculture

25. old regionalism

26. outsourcing

27. deregulation

28. policy silos

29. Houghton

سیاست‌گذاری فضایی پیش می‌رود و رویکرد تحلیل محتوای جهت دار به دنبال معتبرکردن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظری است به عنوان رویکرد اصلی پاسخ به پرسش پژوهش انتخاب شد، زیرا تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار نسبت به دیگر روش‌ها فرآیند ساختارمندتری دارد (Hsiu and Shannon, 2005).

در این مقاله برای تفسیر معانی پنهان و آشکار متن‌های اسناد سیاست‌گذاری توسعه روستایی کشور بعد از انقلاب اسلامی (تعداد ۳۳ سند مرتبط شامل ۴ دسته که عبارتند از: سیاست‌های کلی نظام؛ قوانین دایمی مصوب مجلس شورای اسلامی؛ قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور؛ و سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور) با رویکرد تحلیل محتوای جهت دار، بر اساس شاخص‌های مدل مفهومی پژوهش، مجموعه‌ای از عبارات و جمله‌ها که ارتباطی از معانی مشابه و یکسان داشتند، به عنوان واحد معنا به گونه‌ای تقسیم بندی شدند که نه به اندازه‌ای وسیع باشند که معنای متفاوتی را دربر بگیرند و نه خیلی کوچک باشند که به مطالب ناقص بینجامند. در گام بعدی، جمله‌های مشابه در قالب عبارتی بر مبنای نقاط مشترکشان، فشرده و سپس برای یک یا چند فشرده‌گی مشترک، یک رمز در نظر گرفته شد. برای بالا بردن سطح اعتماد به نتایج، کارشناسان متخصص در حوزه برنامه‌ریزی روستایی (تعداد ۶ نفر از میان استادان و دانشجویان دکتری)، مرحله رمزگذاری را چندین بار تکرار و اصلاح کردند. سه گروه متفاوت (گروه‌های دو نفره به سرپرستی اساتید) در سه نوبت این مرحله را اجرا کردند که سبب اصلاح زیرمقوله‌ها یا زیرشاخص‌ها و جایگذاری رمزهای به دست آمده شد. در گام نهایی، رمزها در گروهی از مضمون‌ها که در یک وجه اشتراک دارند و با استفاده از نظریه مبنایی پژوهش (پارادایم جدید روستایی و رویکردهای سیاست‌گذاری فضایی، سیاست‌های مکان-محور و توسعه کالبدی) و چارچوب مفهومی پژوهش (جدول ۳) مقوله بندی شدند. مقوله‌های متناظر با شاخص‌ها و زیرمقوله‌های متناظر با زیر شاخص‌های سیاست‌گذاری فضایی که محقق ساخت هستند، تعیین شدند. سپس با بررسی فراوانی و نحوه توزیع واحدهای معنا در هریک از شاخص‌ها، میزان توجه اسناد سیاست‌گذاری کشور (۳۳ سند مرتبط) به سیاست‌های فضایی توسعه روستایی کشور ارزیابی شد.

نیاز است، یک نمایندگی واقعی دارای صلاحیت و منابع است، تا با بینشی جدید، سیاست‌های بازیگران در تمام سطوح اداری را یکپارچه نماید (Karanikolas and Hatzipanteli, 2006: 25).

در هلند، از ابتدای دهه ۱۹۹۰ تحولات متعددی موجب افزایش توجه به رویکرد سیاست منطقه ای یکپارچه^{۳۰} (IROP) در حوزه سیاست‌گذاری روستایی این کشور قرار گرفت. رویکرد سیاست منطقه ای یکپارچه به منظور مقابله با شکست سیاست‌ها ناشی از چندپارچگی و عدم هماهنگی با مشکلات منطقه‌ای ایجاد شد. در قالب این چارچوب منطقه‌ای، ائتلافی متشکل از دولت، جامعه مدنی و بازار در جست‌وجوی راه‌حلی برای مسائل روستایی از طریق اجرای پروژه‌های ویژه شدند. علاوه بر تأکید روی شراکت عمومی - خصوصی و تصمیم سازی هماهنگ در مقیاس منطقه‌ای، ویژگی مهم سیاست جدید، اتخاذ رویکرد یکپارچه نسبت به مسائل روستایی است. به جای تمرکز بر یک بخش اصلی، یک هدف سیاستی یا یک دیدگاه خاص، رویکرد مورد نظر به دنبال یکپارچگی، هم افزایی و بازی برد - برد است (Boonstra, 2006: 183).

اسکات در پژوهش خود در ایرلند، به دنبال تدوین چارچوبی ملی برای توسعه فضایی در ایرلند و به طور خاص جایگاه برنامه‌ریزی و توسعه روستایی در آن است. در ادامه، بستر راهبرد ملی فضایی ایرلند را برای سیاست‌های فضایی روستایی بررسی می‌کند. در نهایت، ساختار سیاست‌های روستایی و چگونگی اثرات آن روی سه جنبه مهم سیاست‌های برنامه‌ریزی روستایی تحلیل می‌شود: این سه جنبه شامل مفهوم سازی روابط متقابل شهر و روستا، مدیریت سکونتگاه‌های روستایی و توسعه روستایی می‌شود (Scott, 2006: 812).

داده‌ها و روش کار

مقاله حاضر به لحاظ ماهیت، از نوع پژوهش‌های بنیادی و به لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای است. روش حصول به شناخت در این پژوهش کیفی است که به دو روش تقسیم می‌شود: ۱. روش تحلیل محتوای کیفی جهت دار و ۲. نظریه داده بنیاد (گراند تئوری).

از آنجا که این پژوهش با رویکرد کیفی، بر مبنای نظریه

30. integrated region oriented policy approach (IROP)

جدول ۳. چارچوب مفهومی تدوین سیاست‌های فضایی توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی

مؤلفه های سیاست‌گذاری	زیرمقوله / شاخص
تمرکز بر مکان‌ها به جای بخش‌ها (سیاست‌های مکان محور)	۱) رقابت پذیری مناطق روستایی
	۲) تأکید روی مقیاس قلمرویی
	۳) هدفگذاری سیاستی برای مداخله عمومی در قلمروهای ویژه
	۴) حمایت کردن از مناطق عقب مانده
توسعه کالبدی (تعامل عناصر انسان، فرم، فضا و فعالیت)	۱) حفظ و بهبود دارایی‌های طبیعی (تولید غذا، انرژی زیستی و استخراج مواد خام، فراهم سازی خدمات اکوسیستم مانند ترکیب کربن و حفاظت از زیستگاه) و ارتقای آنها (بعد زیست محیطی)
	۲) پاسخ به تغییرات اجتماعی و تسهیل دسترسی‌ها و توسعه منابع انسانی (مهارت‌ها و آموزش نیروی کار، و سرمایه فرهنگی و اجتماعی) به منظور ایجاد جوامع سالم و متکی به خود (بعد اجتماعی)
	۳) حمایت از فعالیت‌های اقتصادی جدید و نیز تقویت فعالیت‌های اقتصادی موجود و همیاری فعالانه در جهت ایجاد ثروت و دارایی‌های منطقه‌ای و محلی (بعد اقتصادی)
	۴) تأکید بر تسهیل توسعه راهبردی برای تهیه و تدارک کاربری زمین موردنیاز، خدمات رفاهی و سرمایه گذاری در اموال غیر منقول و بادوام یا ساختارهای ساخته شده مانند مسکن روستایی، زیر ساخت های حمل و نقل و ارتباطات (بعد زیربنایی و کالبدی)
نهادینه شدن سیاست‌های توسعه پایدار	۱) توجه به ماهیت برنامه‌ریزی، بودجه ریزی و تدوین استراتژی ملی توسعه پایدار
	۲) لزوم هماهنگی بخش‌ها و ارتباط سطوح مختلف (ملی و محلی) در زمینه توسعه پایدار و تدوین سازوکار سازماندهی و یکپارچگی
	۳) توجه به مشارکت مردم، سازمان‌های غیر دولتی و بخش خصوصی در توسعه پایدار

منبع: یافته‌های پژوهش

انقلاب اسلامی انتخاب شدند؛ بنابراین بر اساس تحلیلی که از نمونه اول به دست آمد و پس از ظهور مفاهیم اولیه، مشارکت‌کنندگان بعدی با روش نمونه‌گیری نظری با حداکثر تنوع در نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری (اشباع طبقات و مقولات محوری) انتخاب شدند. در واقع می‌توان گفت پس از انتخاب مشارکت‌کنندگان اولیه، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مستمر و مقایسه رویدادها و تفاوت و شباهت داده‌ها، فرصتی را برای پژوهشگر فراهم نمود تا متوجه شود که در نمونه‌گیری‌های محوری و انتخابی بایستی چه داده‌هایی، از کدام گروه‌های ذی‌نفع و از چه سازمان‌ها یا نهادهایی جمع‌آوری شوند. تکرار این فرآیند در نهایت باعث ظهور طبقات و تنوع داده‌ها و استحکام بخشی به طبقات و زیرطبقات و نوع ارتباطات آن‌ها شد و باعث طرح نظریه به همان صورت پدید آمده شد. با توجه به اینکه نهادهای مختلفی در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی روستایی در ایران دخیل هستند، مصاحبه‌شوندگان، در خلال مصاحبه‌ها، فرد یا سازمان بعدی را به پژوهشگر معرفی می‌کردند (جدول ۴).

همچنین، روش‌شناسی گرانداد یا داده بنیاد از دیگر رویکردهای کیفی است. نظریه‌پردازی داده‌بنیاد روش استقرایی کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارشی نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد (Fernández, 2004: 84). برای تحلیل داده‌ها در نظریه داده بنیاد از کدگذاری استفاده شده که شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی می‌شود (Lee, 2001: 47). در این پژوهش از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. نمونه‌گیری نظری فرآیند جمع‌آوری داده برای تولید نظریه است که تحلیل‌گر، به طور همزمان داده‌ها را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می‌گیرد به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجا آنها را پیدا کند (Lee, 2001: 41). معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌گیری نظری «کفایت نظری» مقوله‌ها یا نظریه است (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۷۹). در این مقاله با رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری گلوله برفی، اولین مشارکت‌کنندگان از بنیادمسکن

جدول ۴. مشخصات مشارکت کنندگان در مصاحبه

ردیف	سازمان	پست سازمانی	جنسیت و تحصیلات
۱	دانشگاه تربیت مدرس	عضو هیئت علمی	مرد- دکتری
۲	دانشگاه تهران	عضو هیئت علمی	مرد- دکتری
۳	دانشگاه تهران	عضو هیئت علمی	مرد- دکتری
۴	دانشگاه تهران	عضو هیئت علمی	مرد- دکتری
۵	دانشگاه خوارزمی	عضو هیئت علمی	مرد- دکتری
۶	مرکز پژوهش‌های مجلس	عضو هیئت علمی	مرد- دکتری
۷	بنیاد مسکن	مدیرکل	زن- دکتری
۸	بنیاد مسکن	مشاور	مرد- دکتری
۹	وزارت کشور	مدیرکل	مرد- کارشناسی ارشد
۱۰	معاونت توسعه روستایی	معاون برنامه‌ریزی	مرد- کارشناسی ارشد
۱۱	معاونت توسعه روستایی	معاون توسعه روستایی	مرد- کارشناسی ارشد
۱۲	سازمان برنامه و بودجه	معاون امور برنامه‌ریزی	مرد- دکتری
۱۳	وزارت جهاد کشاورزی	مدیر گروه	مرد- دکتری
۱۴	وزارت جهاد کشاورزی	مدیر گروه	مرد- دکتری

منبع: یافته‌های پژوهش

شرح و تفسیر نتایج

روستایی استخراج شدند که با یازده شاخص به دست آمده از مبانی نظری و پیشینه پژوهش مورد مقایسه و بررسی تحلیلی قرار گرفتند. این یازده شاخص در سه مقوله تمرکز بر مکان‌ها به جای بخش‌ها (سیاست‌های مکان محور)، توسعه کالبدی (تعامل عناصر انسان، فرم، فضا و فعالیت) و نهادینه شدن توسعه پایدار جای می‌گیرند. وضعیت هر یک از شاخص‌ها با توجه به تعداد جملاتی که به آنها ارجاع داده شده در جدول ۵ موجود است.

برای تفسیر معانی پنهان و آشکار اسناد بررسی شده با رویکرد تحلیل محتوای کیفی جهت دار، بر اساس شاخص‌های چارچوب مفهومی پژوهش، پس از استخراج واحد معنا، فشردگی جملات مشابه در قالب یک عبارت و رمزگذاری، تعداد ۱۴۳ رمز استخراج که در طبقات مختلف (مقوله‌ها و شاخص‌ها) با توجه به ارتباط مفهومی و موضوعی قرار گرفتند.

به طور کلی ۱۴۳ رمز از سندهای سیاست‌گذاری توسعه

جدول ۵. توزیع شاخص‌های سیاست‌گذاری فضایی توسعه پایدار روستایی در اسناد سیاست‌گذاری

درصد	تعداد	شاخص‌ها
۸,۳۹	۱۲	رقابت پذیری مناطق روستایی
۸,۳۹	۱۲	تأکید روی مقیاس قلمرویی
۴,۱۹	۶	هدف‌گذاری سیاستی برای مداخله عمومی در قلمروهای ویژه
۱۰,۴۸	۱۵	حمایت از مناطق عقب مانده
۶,۲۹	۹	بعد زیست محیطی
۴,۱۹	۶	بعد اجتماعی
۱۲,۵۸	۱۸	بعد اقتصادی
۱۲,۵۸	۱۸	بعد زیربنایی- کالبدی
۱۴,۶۸	۲۱	ماهیت برنامه‌ریزی، بودجه ریزی و تدوین استراتژی ملی توسعه پایدار
۱۲,۵۸	۱۸	لزوم هماهنگی بخش‌ها و ارتباط سطوح مختلف (ملی و محلی)
۵,۶۰	۸	مشارکت مردم، سازمان‌های غیر دولتی و بخش خصوصی
۱۰۰	۱۴۳	جمع کل

منبع: یافته‌های پژوهش

برای سیاست‌گذاری فضایی در مقیاس محلی در اسناد بالادست وجود دارد.

کدگذاری در نظریه داده بنیاد

در کدگذاری باز حدود ۵۰۰ مفهوم بدون در نظر گرفتن همپوشانی به دست آمده است، اما با در نظر گرفتن میزان همپوشانی مفاهیم در نهایت ۲۱۰ مفهوم به دست آمد؛ در ادامه، ۴۲ ریز طبقه، ۱۳ طبقه یا مقوله اصلی و شش طبقه محوری استخراج شدند و در مرحله کدگذاری محوری این طبقه‌ها حالت انتزاعی‌تر به خود گرفته‌اند به طوری که در شش دسته، طبقه‌بندی شدند.

در مرحله کدگذاری محوری، نظریه‌پرداز داده بنیاد، یک مقوله مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرایندی که در حال بررسی آن است به عنوان «مقوله یا طبقه محوری» قرار می‌دهد و سپس، دیگر مقوله‌ها و طبقات را به آن ربط می‌دهد. سایر مقوله‌ها شامل «شرایط علی»، «شرایط مداخله‌گر»، «شرایط زمینه‌ای»، «راهبردها» و «پیامدها». این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود. الگوی کدگذاری، روابط میان شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامدها را نمایان می‌کند (Creswell, 2005: 398). پس از انجام طبقه‌بندی و شناسایی مفاهیم و مقوله‌ها در کدگذاری باز، زمینه برای شکل‌گیری نظریه مبنایی از طریق کدگذاری محوری فراهم شد (جدول ۶).

همچنین، در این قسمت، ریزطبقات (یا همان ابعاد و ویژگی‌ها) از بعد محتوا، فرایند و عوامل سیاست‌گذاری استخراج و دسته‌بندی می‌شوند.

۱- عامل؛ علت یا کنترل از نگاه متغیری است که در تغییرات طیفی از متغیرهای دیگر نقش ایفا می‌کند. برای مثال، در بحث آب و هوا، عوامل شامل عرض، ارتفاع، توزیع زمین و دریا، جریان‌های اقیانوس هستند (Witherick et al., 2001: 94).

۲- فرآیند؛ جریان رویدادها یا اقداماتی است که موجب تولید، بازتولید یا دگرگونی یک سیستم یا ساختار می‌شوند (Gregory et al., 2009: 586).

۳- محتوا؛ شامل معانی پنهان و آشکار متون و اسناد سیاست‌گذاری هستند.

نتایج نشان داد از مجموع ۱۴۳ رمز استخراج شده از اسناد سیاست‌گذاری توسعه روستایی (شامل ۳۳ سند مرتبط)، شاخص ماهیت برنامه‌ریزی، بودجه ریزی و تدوین استراتژی ملی توسعه پایدار با تعداد ۲۱ رمز (۱۴,۶۸ درصد) در رتبه نخست، سه شاخص ابعاد اقتصادی، ابعاد زیربنایی - کالبدی و لزوم هماهنگی بخش‌ها و سطوح مختلف (ملی و محلی)، به طور مشترک با تعداد ۱۸ رمز (۱۲,۵۸ درصد) در رده دوم و شاخص حمایت از مناطق عقب مانده با تعداد ۱۵ رمز (۱۰,۴۸ درصد) در رده سوم قرار دارند. بنابراین، جهت‌گیری تدوین سیاست‌های فضایی توسعه مناطق روستایی (پاسخ به پرسش پژوهش)، به سمت عوامل برنامه و بودجه ریزی، ابعاد زیربنایی - کالبدی، اقتصادی و حمایت از مناطق عقب مانده است در حالی که سهم عوامل اجتماعی و زیست محیطی و مشارکت سازمانهای غیردولتی و بخش خصوصی در تدوین این سیاست‌ها اندک است.

در مجموع، توزیع رمزها در مقیاس‌های مختلف نشان می‌دهد ۶۷ رمز در مقیاس محلی (۴۷ درصد)، ۳۳ رمز در مقیاس منطقه‌ای (۲۳,۷ درصد) و ۴۲ رمز برای مقیاس ملی (۲۹,۳۷ درصد) تدوین شدند.

بنابراین، احکام ذیل به عنوان نتایج نهایی تحلیل محتوای اسناد استخراج شده است:

۱) درآمدهای حاصل از صادرات مواد خام باعث شده حجم عظیمی از مواد و بندهای برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه روستایی مبتنی بر برنامه و بودجه ریزی از بالا به پایین شکل گیرد؛

۲) عمده تلاش‌ها برای توسعه، پیشرفت و ایجاد اشتغال در نواحی روستایی در گروه اتخاذ سیاست‌های کالبدی - زیربنایی و نیز سیاست‌های اقتصادی و محرومیت زدایی بوده است؛

۳) شاخص‌های اجتماعی، زیست محیطی و مشارکت سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی سهم اندکی در تدوین سیاست‌های فضایی توسعه روستایی کشور دارند؛

۴) در حالیکه اسناد بررسی شده مربوط به مقیاس ملی هستند، محتوای آنها نباید به مقیاس محلی ورود می‌کردند، لذا، سطوح سیاست‌گذاری فضایی در ایران رعایت نمی‌شود؛

۵) هرچند که توزیع شاخص‌های مدون اسناد سیاست‌گذاری توسعه روستایی کشور نشان دهنده توجه بیشتر این اسناد به مقیاس محلی است و در رده بعدی مقیاس‌های ملی و سپس منطقه‌ای قرار دارند، بنابراین ظرفیت‌های لازم

جدول ۶. نقش طبقه محوری در الگوی پارادایمی

الگوی پارادایمی	طبقه محوری
شرایط علی	ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاست‌گذاری روستایی
پدیده اصلی	سیاست‌گذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین
شرایط مداخله‌گر	عدم یکپارچگی فرآیند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی
شرایط زمینه‌ای	عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی سیاست‌های توسعه روستایی
راهبرد/ کنش متقابل	توجه به سیاست‌گذاری یکپارچه بخشی - فضایی
پیامدها	کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی

منبع: یافته‌های پژوهش

محیط‌زیست و سیاست کلی بخش کشاورزی و صنعت داریم اما برای روستا سیاست کلی مشخصی وجود ندارد و نگرش به روستا در سیاست‌های کلی به عنوان کانون تولید است". به عبارت دیگر، روستا مترادف با توسعه کشاورزی دانسته می‌شود. بنابراین بهتر است همزمان به روستا به عنوان سکونتگاه نگریسته شود که این امر همان نگرش فضایی است.

سیاست‌گذاری بخشی و متمرکز ناشی از ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاست‌گذاری روستایی است و دو علت دارد: یکی ابهام در تعریف و جایگاه سیاست‌گذاری روستایی و دیگری تناقض میان رویکردهای حاکم بر توسعه روستایی است. ابهام در تعریف و جایگاه سیاست‌گذاری روستایی خود شامل ابعاد مختلفی می‌شود. طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان "برای مثال ما سیاست کلی شهرسازی، سیاست کلی

جدول ۷. طبقات و زیرطبقات سیاست‌گذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین

الگوی پارادایمی	طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگیها)
پدیده اصلی	سیاست‌گذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین	سیاست‌های دولت - محور	توزیع منابع رانتی مانند درآمد نفت (عامل)
			سیاست‌های بخشی و متمرکز (فرآیند)
			تعدد و تنوع دستگاه‌های مسئول توسعه روستایی (فرآیند)
		تغییرات مداوم سیاست‌های توسعه روستایی	فقدان متولی مشخص (عامل)
			انتخاب سیاست‌های واکنشی (محتوا)
		تغییر ساختارها و سیاستها با تغییر دولتها (فرآیند)	

منبع: یافته‌های پژوهش

آن مجری هستند تا هدایتگر برنامه‌ها. طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان "در چند دهه اخیر، الگوی توسعه در کشور مبتنی بر توزیع منابع شکل گرفته است". همچنین، پراکندگی بخش‌های توسعه روستایی در میان دستگاه‌های بخشی و فرابخشی موجب شده که سیاست و برنامه جامع و یکپارچه‌ای برای توسعه روستایی تدوین نشود که این امر سیاست‌های بخشی و متمرکز را تقویت می‌کند.

سیاست‌گذاری بخشی و متمرکز ماحصل غلبه سیاست‌های دولت محور و تغییرات مداوم در سیاست‌های توسعه روستایی است. پیامد این امر ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و خدماتی در روستاها بدون توجه به ظرفیت‌های تولیدی است. بنا به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان "دولت مکان، زمان و میزان هزینه‌ها برای روستاها را بدون توجه به مسائل اساسی جامعه روستایی تعیین می‌کند". در این شرایط دولت و دستگاه‌های زیرمجموعه

جدول ۸. طبقات و زیر طبقات ضعف بنیانه‌های اندیشه ای و نظری سیاست‌گذاری روستایی

الگوی پارادایمی	طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگیها)
شرایط علی	ضعف بنیانه‌های اندیشه ای و نظری سیاست‌گذاری روستایی	تناقض میان رویکردهای حاکم بر توسعه روستایی	رویگرد بالا به پایین (فرآیند)
			ناهماهنگی در رویکردهای برنامه‌های توسعه روستایی (عامل)
			غلبه نگاه عمرانی و زیربنایی (محتوا)
		ابهام در تعریف و جایگاه سیاست‌گذاری روستایی	تأکید بر سیاست‌های محرومیت زدایی (محتوا)
			نبود سیاست‌های کلی توسعه روستایی (عامل)
			نگرش ابزاری به جامعه روستایی (عامل)
			مترادف دانستن روستا با کشاورزی (عامل)
عدم شناخت مسئله اساسی روستاها (فرآیند)			

منبع: یافته‌های پژوهش

نداریم."

همچنین، عدم انسجام و هماهنگی دستگاه‌ها در تدوین برنامه‌های توسعه کشور وجود دارد طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان "چون توسعه روستایی متولی مشخصی ندارد هر دستگاهی با سازمان برنامه و بودجه، مجلس و دولت لابی می‌کند تا بودجه بیشتری برای دستگاه و بخش خود بگیرد و تکلیفی در قانون برنامه درج شود تا منجر به اخذ بودجه برای دستگاه شود."

عدم یکپارچگی فرآیند تدوین و اجرای برنامه‌ها شامل تدوین برنامه‌های غیرمنسجم و چندپارچه و نیز عدم توجه به اجرا و بازخورد برنامه‌ها می‌شود. عدم ارزیابی برنامه‌ها منجر به عدم شناخت مناسب از نتایج و پیامدهای برنامه‌های قبلی می‌شود و چرخه بازخورد نتایج شکل نمی‌گیرد. حسب نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان "ارزیابی باید به صورت سیستمی باشد باید ورودی و خروجی داشته باشد. آیا سرمایه‌گذاری اثرات مطلوبی در روستاها داشته است؟ ما در این قسمت یعنی شناخت و تحلیل ضعف داریم و شناخت خوبی از نتایج برنامه‌های قبلی

جدول ۹. طبقات و زیر طبقات عدم یکپارچگی فرآیند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی

الگوی پارادایمی	طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگیها)
شرایط مداخله‌گر	عدم یکپارچگی فرآیند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی	تدوین برنامه‌های غیرمنسجم و چندپارچه	کمرنگ بودن نگرش فضایی در تهیه طرح‌ها (محتوا)
			تدوین برنامه‌ها بدون توجه به واقعیت‌ها (فرآیند)
			عدم انسجام و هماهنگی دستگاه‌ها در تدوین برنامه (فرآیند)
		عدم توجه به اجرا و بازخورد برنامه‌ها	جدایی عناصر فعالیت، کالبد و انسان در تدوین برنامه (محتوا)
			تحقق‌پذیری اندک برنامه‌ها (فرآیند)
عدم ارزیابی نتایج و پیامدهای برنامه (فرآیند)			

منبع: یافته‌های پژوهش

مراکز و متروپول‌ها فرصت تحول‌آفرینی در نقاط پیرامونی مثل نواحی روستایی را محدود می‌کند."

یکی از چالش‌های اساسی جامعه روستایی کشور جایگاه حاشیه‌ای آن در نظام اقتصادی-اجتماعی ملی است. حسب نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان "اگر قبول کنیم مشکل ما این است که نظام روستایی، نقش واقعی خود را در اقتصاد و توسعه اجتماعی ملی بازی نمی‌کند و برای پرداختن به این مشکل چه کار باید کرد، آن‌وقت راه را درست می‌رویم. ولی همه برنامه‌ریزی‌های ما در آخر خط به این می‌رسند که سهم

عدم یکپارچگی عمودی و افقی (سرزمینی) میان سطوح و بخش‌های مختلف در پهنه سرزمین، و نیز، ضعف نهادسازی و شبکه‌سازی محلی منجر به عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی شده است.

به طور کلی، سیاست‌گذاری روستایی بیشتر در سطح ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان "یکی از موانع سیاست‌گذاری فضایی، تمرکزگرایی فضایی در سطح ملی است. یعنی هنوز اقتصاد ایران و فضای جغرافیایی ایران به سمت تمرکزگرایی پیش می‌رود، تمرکز اقتصاد در

روستاها چقدر است؟ اگر سهم روستاها را بدهیم مشکل حل می‌شود. مثل برق آب، گاز، راه، زیرساخت، تسهیلات و غیره. اما سهم روستا را از توسعه‌یافتگی ندادیم."

جدول ۱۰. طبقات و زیر طبقات عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی سیاست‌های توسعه روستایی

الگوی پارادایمی	طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)
شرایط زمینه‌ای	عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی سیاست‌های توسعه روستایی	ضعف نهادسازی و شبکه‌سازی محلی	جایگاه حاشیه‌ای جامعه روستایی (عامل)
			تبعیض میان مدیریت شهری و روستایی (عامل)
		عدم یکپارچگی عمودی و افقی (سرزمینی)	فقدان زنجیره‌های ارزش افزوده تولید اقتصاد روستایی (فرآیند)
			ناهماهنگی سطوح و بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری (فرآیند)
			عدم پیوند برنامه‌ریزی فضایی و بخشی (فرآیند)
تمرکزگرایی فضایی در مراکز ملی و استانی (عامل)			

منبع: یافته‌های پژوهش

توسعه کشور همخوانی دارد. اما، هنوز پارادایم توسعه ملی یا دکترین توسعه ملی مبتنی بر واقعیات کشور شکل نگرفته است. لذا باید دکترینی درون‌زا با نگاه به بیرون داشته باشیم. طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان "در درون دکترین، دیدگاه‌ها باید مشخص باشد، نظریه‌های پایه باید روشن باشند که به هر حال کشور را روی چه حسابی مدیریت کنیم، استراتژی‌ها مبتنی بر آن نظریه‌ها و دیدگاه‌ها روشن باشند و به تبع آن برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی تدوین می‌شوند."

با توجه به چالش‌های کنونی سیاست‌گذاری کشور، لزوم توجه به سیاست‌گذاری یکپارچه بخشی - فضایی در این برهه زمانی احساس می‌شود. اما یکپارچه شدن سیاست‌گذاری بخشی - فضایی منوط به تمرکززدایی فضایی - اداری و ضرورت سیاست‌گذاری یکپارچه سرزمینی است. در این راستا، جزء «۱» بند «الف» ماده (۲۶) قانون برنامه ششم توسعه کشور بر ضرورت تدوین سند آمایش سرزمین ملی و استانی توسط دولت تأکید دارد همچنین، برخی از نهادها و سازمان‌های ناکارآمد بایستی حذف و اصلاح شوند که این موضوع با رویکرد کوچک‌سازی دولت خصوصاً ماده (۲۸) قانون برنامه ششم

جدول ۱۱. طبقات و زیر طبقات توجه به سیاست‌گذاری یکپارچه بخشی - فضایی

الگوی پارادایمی	طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)
راهبردها/کنش متقابل	توجه به سیاست‌گذاری یکپارچه بخشی - فضایی	لزوم توجه به تمرکززدایی فضایی و اداری	اصلاح فرآیندها و نهادها به جای گسترش تشکیلات اداری (فرآیند)
			ضرورت تقویت شوراهای توسعه روستایی (فرآیند)
			لزوم ایجاد و تقویت سطح مدیریت منطقه‌ای (فرآیند)
			لزوم تدوین دکترین توسعه ملی و روستایی (محتوا)
		ضرورت سیاست‌گذاری یکپارچه سرزمینی	لزوم یکپارچگی سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی و مدیریت (فرآیند)
			لزوم تعامل عناصر توسعه کالبدی در سیاست‌های توسعه روستایی (محتوا)
			یکپارچگی سیاست‌های توسعه کشاورزی و روستایی (فرآیند)
لزوم توجه به توسعه پایدار در سیاست‌های توسعه روستایی (محتوا)			

منبع: یافته‌های پژوهش

— محور تقویت شوند و شناسایی نیازها و نیازسنجی‌ها و حتی مشارکت در همفکری و تصمیم‌سازی در سطوح پایین شکل گیرد. حسب نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان "چون روستا کوچکترین واحد در برنامه‌ریزی است باید ذینفعان و مردم روستایی در فرآیند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نقش داشته باشد".

کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی به عنوان پیامدهای حاصل از راهبردها خود ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی دارد و شامل ضرورت رقابت‌پذیر کردن اقتصاد روستایی، استفاده از ظرفیت‌های مشارکت مردمی و ایجاد و تقویت خوشه‌ها، منظومه‌ها و شبکه‌ها می‌شود. لذا، بایستی سیاست‌های توسعه روستایی - محور و مردم

جدول ۱۲. طبقات و زیر طبقات کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی

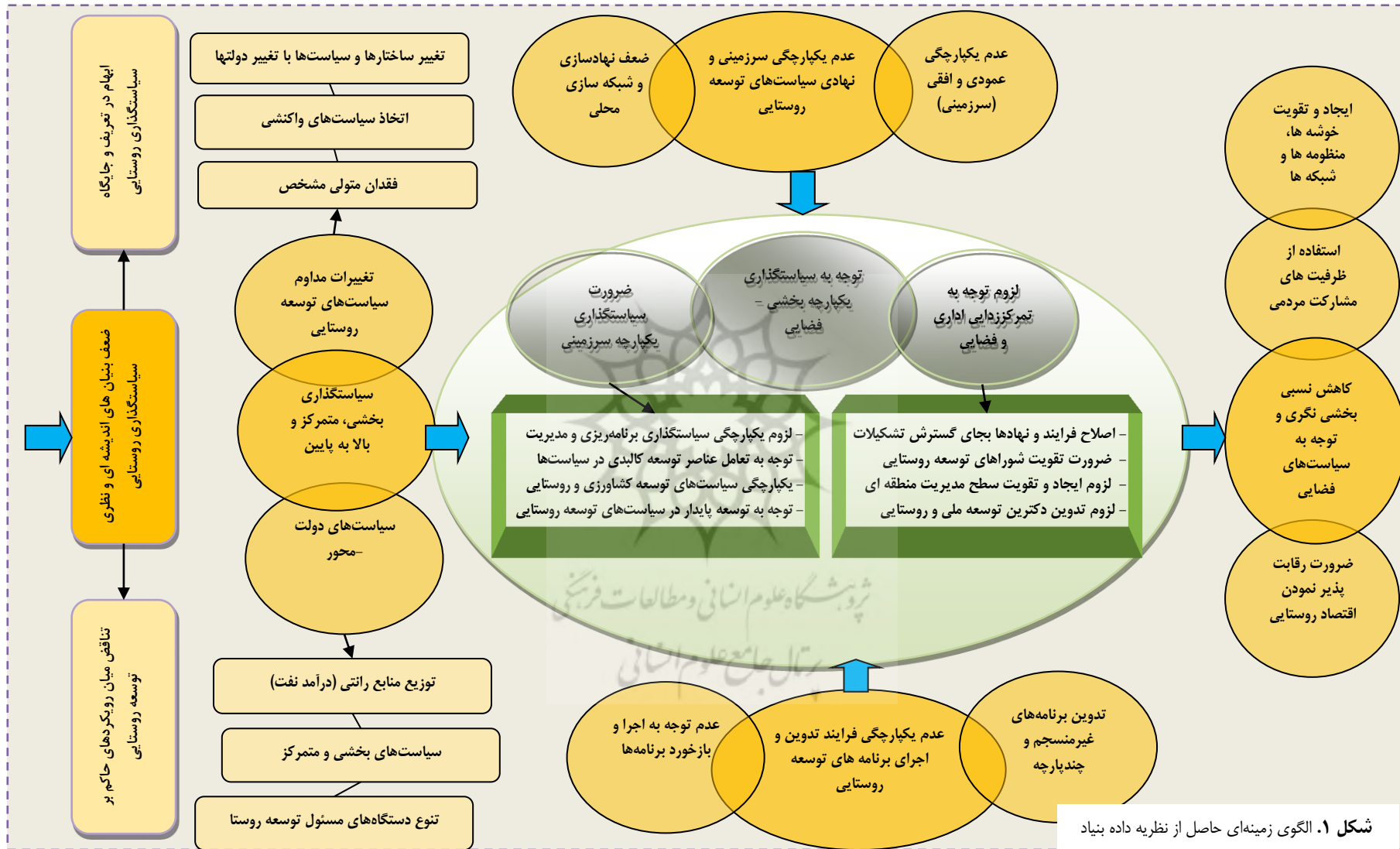
الگوی پارادایمی	طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگیها)
پیامدها	کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی	ضرورت رقابت‌پذیر نمودن اقتصاد روستایی	حمایت از طرح‌های دانش بنیان برای ایجاد اشتغال روستایی (فرآیند) متنوع سازی اقتصاد روستایی (فرآیند) حمایت از تشکیل زنجیره های ارزش افزوده تولید اقتصادی (فرآیند)
		استفاده از ظرفیت‌های مشارکت مردمی	تعامل مردم با سیاستگذار و برنامه‌ریز (فرآیند) توجه به مشارکت مقیاس محلی (عامل) تقویت سرمایه اجتماعی (عامل)
		ایجاد و تقویت خوشه، منظومه و شبکه	ضرورت توسعه همپوند روستایی - شهری (فرآیند) ایجاد و تقویت منظومه‌های روستایی (فرآیند)

منبع: یافته‌های پژوهش

برنامه‌های غیر منسجم و چندپارچه می‌شود. از سوی دیگر، توجه به تعامل عناصر توسعه کالبدی در سیاست‌های توسعه روستایی و یکپارچگی سیاست‌های توسعه کشاورزی و روستایی و لزوم توجه به توسعه پایدار در سیاست‌های توسعه روستایی منجر به ضرورت سیاست‌گذاری یکپارچه سرزمینی شده است.

برای اینکه اظهارات فرضیه‌ای درباره روابط بین طبقات و زیر طبقات را بنویسیم، لازم است بر اساس الگوی پارادایمی و نقشه مفهومی رابطه پدیده اصلی پژوهش (سیاست‌گذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین) با شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای کنترل و اداره یک پدیده (کنش/کنش متقابل) و پیامدها را مشخص نماییم و طبقات و زیر طبقات مرتبط را بنویسیم. این کار با ترسیم دیاگرام‌ها و نقشه‌های مفهومی امکان‌پذیر شد. محقق چندین بار این دیاگرام‌ها را ترسیم و آن‌ها را اصلاح نمود تا در نهایت توانست الگوی زمینه‌ای با محوریت متغیر مرکزی را مشخص نماید (شکل ۱).

در این مرحله پس از تعیین متغیر مرکزی؛ محقق ابعاد و خصوصیات آن را مشخص نمود و بر اساس الگوی پارادایمی با طبقات و زیر طبقات دیگر ارتباط داد. توجه به سیاست‌گذاری یکپارچه بخشی - فضایی به‌عنوان متغیر مرکزی مفهومی با سطح انتزاع بالا بود که دربرگیرنده دو راهکار شامل توجه به تمرکززدایی فضایی و اداری و ضرورت سیاست‌گذاری یکپارچه سرزمینی است که متأثر از عوامل محدودکننده تحت عنوان عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی سیاست‌های توسعه روستایی و عدم یکپارچگی فرآیند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی هستند. سایر ابعاد در تمام طبقات و زیر طبقات مشاهده می‌شود، به‌گونه‌ای که به کارگیری و یا عدم به‌کارگیری هرکدام از این راهکارها تأثیرگذار بر سایر طبقات و زیر طبقات و متأثر از آن‌هاست. برای مثال، کم‌رنگ بودن نگرش فضایی در تهیه طرح‌ها، جدایی عناصر فعالیت، کالبد و انسان در تدوین برنامه و عدم هماهنگی دستگاه‌ها در تدوین برنامه‌ها منجر به تدوین



جلوگیری از گسترش تشکیلات اداری، یکپارچگی سیاست‌های توسعه کشاورزی و روستایی، و در نهایت، ایجاد و تقویت خوشه‌ها، منظومه‌ها و شبکه‌ها است. همچنین، محتوای سیاست‌های توسعه روستایی در شرایط کنونی ویژگی‌هایی چون کم‌رنگ بودن نگرش فضایی و لزوم تدوین دکترین توسعه ملی و روستایی دارد.

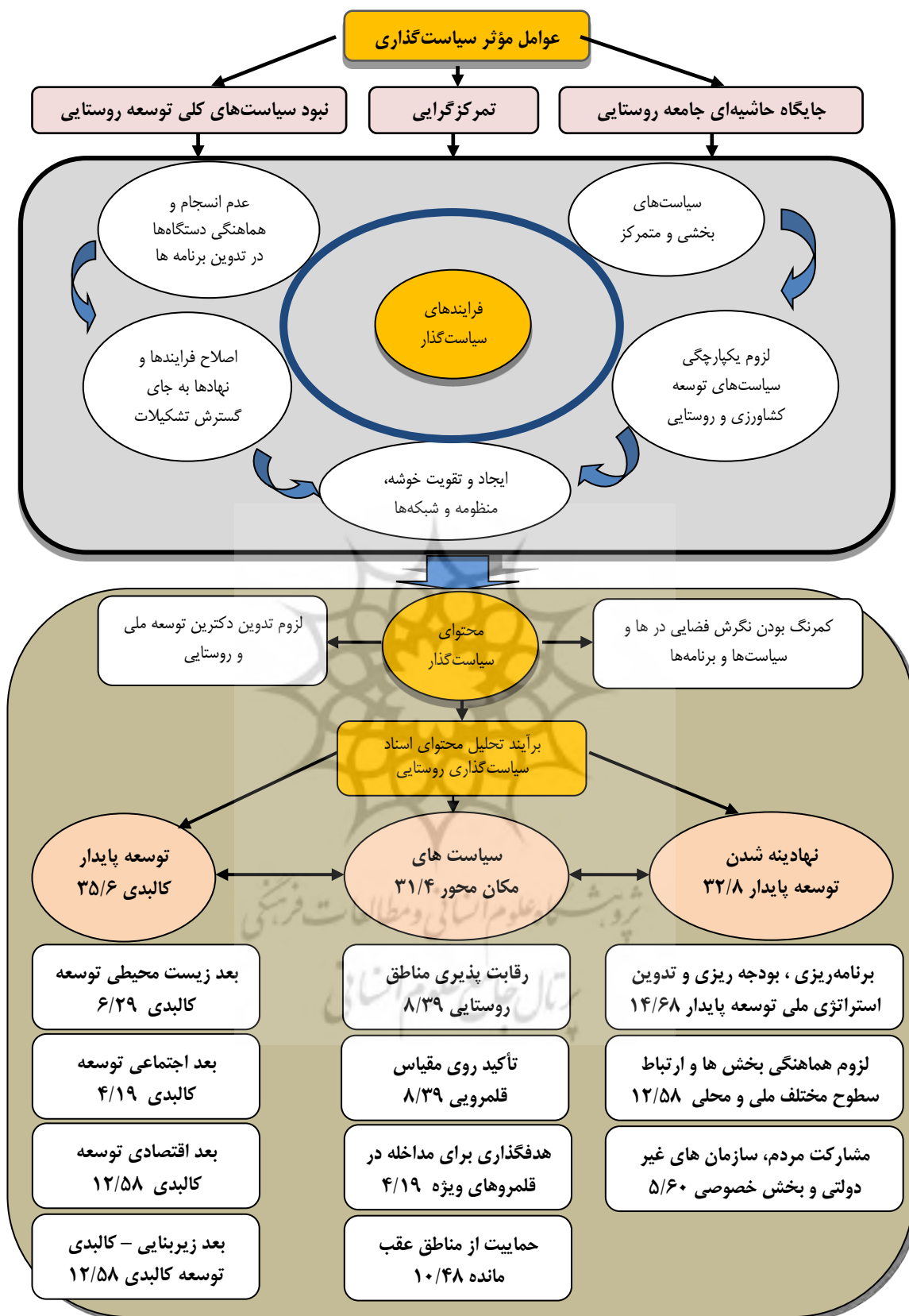
در پاسخ به پرسش دوم پژوهش^{۳۲}، و برای تعیین نقش عوامل مؤثر در تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی در ایران، نتایج تحلیل محتوای اسناد نشان داد که عوامل برنامه‌ریزی، بودجه ریزی و تدوین استراتژی ملی توسعه پایدار با ۱۴٫۶۸ درصد بیشترین نقش و تأثیر را در تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه روستایی دارند. پس از آن، لزوم هماهنگی بخش‌ها و ارتباط سطوح مختلف ملی و محلی و بعد اقتصادی و بعد زیربنایی - کالبدی هر کدام با ۱۲٫۵۸ درصد نقش مهمی در تدوین سیاست‌های یادشده دارند. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که قسمت عمده مواد و بندهای برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه روستایی مبتنی بر برنامه و بودجه ریزی با رویکرد بالا به پایین است؛ لذا، عمده تلاش‌ها برای توسعه، پیشرفت و ایجاد اشتغال در نواحی روستایی در گروه اتخاذ سیاست‌های کالبدی- زیربنایی و نیز سیاست‌های اقتصادی و محرومیت زدایی بوده است که پیامد آن غفلت از شاخص‌های اجتماعی، زیست محیطی و مشارکت سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی در تدوین سیاست‌های فضایی توسعه روستایی کشور است.

در این قسمت، یافته‌های حاصل از نظریه داده بنیاد و تحلیل محتوای کیفی اسناد ترکیب شده و الگوی چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی موجود توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی ارائه شده است. ابعاد الگو شامل عوامل مؤثر سیاست‌گذاری، فرآیند سیاست‌گذاری، محتوای سیاست‌گذاری و برآیند تحلیل محتوای کیفی اسناد سیاست‌گذاری می‌شوند. لازم به ذکر است که عوامل، فرآیند و محتوای سیاست‌گذاری از روش تحلیل داده بنیاد و جداول آن‌ها استخراج شده و همچنین، برآیند تحلیل محتوا نیز از تحلیل محتوای کیفی اسناد بالادست سیاست‌گذاری مناطق روستایی کشور و مضامین و رمزهای مستخرج از آن بیرون آمده است (شکل ۲).

جهت پاسخ به پرسش نخست پژوهش^{۳۱}، الگوی زمینه‌ای پژوهش نشان می‌دهد که چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی موجود توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی در ایران متشکل از عوامل سیاست‌گذاری، فرآیندهای سیاست‌گذاری و محتوای سیاست‌هاست. در وضعیت موجود، چارچوب تدوین سیاست‌گذاری با چالش‌های اصلی و مهمی مانند نبود سیاست‌های کلی نظام در حوزه توسعه روستایی، تمرکزگرایی و جایگاه حاشیه‌ای جامعه روستایی روبه‌رو است. از سوی دیگر، فرآیندهای کنونی سیاست‌گذاری نیز به تبعیت از عوامل، چالش‌های متعددی دارند که دربرگیرنده سیاست‌های بخشی و متمرکز، و نیز عدم انسجام و هماهنگی دستگاه‌ها در تدوین برنامه‌ها هستند، لذا برای حل چالش‌های یادشده می‌توان به اصلاح فرآیندها اقدام نمود که این اصلاحات مستلزم

۳۲. نقش عوامل مؤثر در تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی در ایران به چه میزان است؟

۳۱. چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی موجود توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی در ایران چگونه است؟



شکل ۲. الگوی توصیفی چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی موجود توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی (منبع: یافته‌های پژوهش)

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل وضعیت موجود چارچوب تدوین سیاست‌گذاری فضایی توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی کشور انجام شد. در این راستا، هم محتوای سیاست‌های توسعه روستایی و هم فرآیند تدوین این سیاست‌ها و نقش عوامل مؤثر در آن مورد بررسی قرار گرفت. روش حصول به شناخت در این پژوهش کیفی و شامل دو روش تحلیل محتوای کیفی جهت دار؛ و نظریه داده بنیاد (گراندد تئوری) بوده است.

بر اساس نتایج حاصل از روش داده بنیاد، «سیاست‌گذاری بخشی، متمرکز و بالا به پایین» به عنوان طبقه محوری شناسایی شد. همچنین، ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاست‌گذاری روستایی در ایران به عنوان مهمترین عامل در پیدایش، قوام و دوام سیاست‌گذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین عمل کرده است. در عین حال سیاست‌هایی تدوین شده از منظر نهادی و سرزمینی یکپارچه نیستند و از سوی دیگر، فرآیند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی منسجم و متصل نبوده و بازخورد مناسب شکل نمی‌گیرد. از این رو می‌توان گفت در شرایط کنونی توجه به سیاست‌گذاری یکپارچه بخشی - فضایی ضرورت دارد. این ضرورت بایستی با توجه به تمرکززدایی اداری - فضایی و سیاست‌گذاری یکپارچه سرزمینی فراهم شود که پیامد آن کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور است.

نتایج حاصل از مقایسه میان مرور ادبیات پژوهش و الگوی کنونی تدوین سیاست‌گذاری فضایی مناطق روستایی ایران نشان می‌دهد که الگوی کنونی ویژگی‌های بالا به پایین و متمرکز و مبتنی بر پارادایم قدیم توسعه روستایی و منطقه‌گرایی قدیم دارد. لذا ایجاد تحول در الگوی کنونی نیازمند توجه به سیاست‌گذاری فضایی مبتنی بر رهیافت توسعه پایدار کالبدی، شبکه‌ای و مکان محور است. همچنین، نتایج حاصل از پژوهش کنونی بیشتر با تجربه یونان همخوانی دارد که در آن علیرغم تلاش‌های چشمگیر برای تمرکززدایی، توسعه روستایی همچنان بر طراحی و اجرای سیاست‌های دولت مرکزی متکی است. رویکرد بالا به پایین و بخشی‌نگری همچنان بر طراحی سیاست‌های روستایی غلبه دارد.

همچنین محتوای سیاست‌های توسعه روستایی در شرایط

کنونی ویژگی‌هایی چون کم‌رنگ بودن نگرش فضایی، غلبه عوامل برنامه‌ریزی، بودجه ریزی، و ابعاد زیربنایی - کالبدی و اقتصادی دارد. لذا، برای حل چالش‌های یادشده می‌توان به اصلاح فرآیندها اقدام نمود که مستلزم اصلاح فرآیندها و نهادها به جای گسترش تشکیلات اداری، یکپارچگی سیاست‌های توسعه کشاورزی و روستایی، لزوم تدوین دکترین توسعه ملی و روستایی و در نهایت، ایجاد و تقویت خوشه‌ها، منظومه‌ها و شبکه‌ها است.

منابع

- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۸)، روش شناسی تدوین خط مشی ملی کارآفرینی کشور. نشریه توسعه کارآفرینی، ۲(۶): ۱۵۵ - ۱۲۵.
- دانایی فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶). استراتژی پژوهش کیفی؛ تأملی بر نظریه داده بنیاد. اندیشه مدیریت، ۲(۲): ۹۷ - ۶۹.
- فیروزنیا، قدیر؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ بدری، سیدعلی. (۱۳۸۹). چشم‌انداز و نظام مدیریت برنامه‌ریزی توسعه کالبدی نواحی روستایی ایران. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶) گزارش تحلیلی طرح تاسیس سازمان توسعه روستایی (بند الف ماده ۱۹ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج. ا.ا)، گزارش منتشرشده محدود، مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری، (۱۳۹۵). سند توسعه روستایی. تهران: انتشارات کوشا.
- منوریان، عباس، ابویی، محمد، ایروانی، محمد جواد، زندی منش، محمدرضا (۱۳۹۲). طراحی مدل خط مشی گذاری به منظور بهبود محیط کسب و کار جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد. فصلنامه مدیریت دولت، ۲(۵): ۱۴۲ - ۱۲۵.
- مؤسسه عالی آموزش پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، (۱۳۸۱) همایش چالش‌ها و چشم‌انداز توسعه روستایی. دفتر ۲۴، محور توسعه روستایی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

- Albrechts, L. (2004). Strategic (spatial) planning re-examined. *Environment and Planning B. Planning and Design*, 31, 743e758.
- Allmendinger, P., & Haughton, G. (2012). Post-political spatial planning in England: A crisis of consensus? *Transactions of the Institute of British Geographers*, 37(1), 89–103.
- Boonstra, F. (2006). Dutch Rural Policies at a Turning Point. In Bas Arts, Pieter Leroy: *Institutional Dynamics in Environmental Governance*. Springer, 183 – 201.
- Castells, M. (2000). *The rise of the network society* (2nd Ed.). Oxford: Blackwell.
- Cheshire, P. (2017). Identifying principles for spatial policy: levels of intervention. Last assessed (8/1/2017): www.apdr.pt/siteRPER/numeros/RPER13/13.4.pdf
- Cockfield, Geoff. 2013. Rural and Regional Policy: A Case of Punctuated Incrementalism? *Australian Journal of Public Administration*, vol. 72, no. 2, pp. 129–142.
- Creswell, J. W. (2005), *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- De Marchi, Giada, Giulia Lucertini, and Alexis Tsoukiàs. (2016). from evidence-based policy making to policy analytics. *Ann Oper Res* 236:15–38.
- Fernández, Walter D. (2004), Using the Glaserian Approach in Grounded Studies of Emerging Business Practices. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 2(2).
- Freshwater, D. (2007). Rural Development and the Declining Coherence of Rural Policy: An American and Canadian Perspective. University of Kentucky.
- Gregory, Derek., Ron Johnston., Geraldine Pratt., Michael J. Watts., and Sarah Whatmore. (2009). *The dictionary of human geography*, 5th edition, A John Wiley & Sons, Ltd., Publication.
- Haughton, G., Allmendinger, P., Counsell, D., & Vigar, G. (2010). *The new spatial planning: Territorial management with soft spaces and fuzzy boundaries*. London: Routledge.
- Hermans, F.L.P., Haarmann, W.M.F., Dagevos, J.F.L.M., 2008. Evaluation of Stakeholder participation in monitoring regional sustainable development. *Reg. Environ. Chang.* 11, 805–815.
- High, C., Nemes, G., 2007. Social learning in LEADER: exogenous, endogenous and hybrid evaluation in rural development. *Sociol. Rural.* 47, 103e119.
- Horlings, I., 2011. Strategies for vital coalitions and sustainable regional Development in the Netherlands. In: Torre, A., Traversac, J.B. (Eds.), *Territorial Governance, Local development, Rural Areas and Agrofood Systems*. Springer Verlag, Heidelberg & New York, pp. 67–92.
- Hill, M. (1997). *The public policy process*. Harlow, England: Pearson Education Limited.
- Hsiu F. H. & Shannon, S. E. (2005). “Three Approaches to Qualitative Content Analysis”, *Journal of Qualitative Health Research*, 15(9). 75-93.
- Jann, W., & Wegrich, K. (2007). Theories of the policy cycle. In F. Fischer, G. J. Miller, & M. S. Sidney (Eds.), *Handbook of public policy analysis* (pp. 43–62). Boca Raton, FL: CRC Press.
- Karanikolas and Hatzipanteli, 2006. decentralization Process of Rural Development Policy in Greece. *European Planning Studies*. 18(3).

- Lee, J. (2001), A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebraska, In Proquest UMI Database.
- Lee, S. W., & Kim, H. J. (2011). The effects of rural settlement projects on the living environment in Korea. *Harvard Asia Quarterly*, 13(3), 6e13.
- Lefevrve, H. (1991). *The social production of space*. Oxford: Blackwell.
- Lovan, W.R., Murray, M., Shaffer, R., 2004. *Participatory Governance: Planning, Conflict Mediation and Public Decision Making in Civil Society*. Ashgate Publishing, Aldershot.
- OECD (2003), *the Future of Rural Policy: From Sectoral to Place-Based Policies in Rural Areas*, OECD Publications: Paris.
- OECD, 2006. *The New Rural Paradigm: Policies and Governance*. OECD Rural Policy, Reviews, Paris.
- OECD (2009), *Regions Matter: Economic Recovery, Innovation and Sustainable Growth*, OECD Publishing, <http://dx.doi.org/10.1787/9789264076525-en>
- Pike, A., Tomaney, J., Rodriguez-Pose, A., 2006. *Local and Regional Development*. Routledge, London.
- Prager, K., Nienaber, B., Neumann, B., Phillips, A. (2015). How should rural policy be evaluated if it aims to foster community involvement in environmental management? *Journal of Rural Studies* 37 (2015) 120-131.
- Reimer, B. and Brett, (2013). *Scientific Knowledge and Rural Policy: A Long-distant Relationship*. *Sociologia Ruralis*, Vol 53, Number 3.
- Reimer, B. and S. Markey (2008) *Place-based policy: a rural perspective*. 7 November 14 pages with 49-page appendix (Ottawa, ON: Human Resources and Social Development Canada).
- Scott, M. (2006). *Strategic spatial planning and contested ruralities: Insights from the Republic of Ireland*, [European Planning Studies](#) 14(6):811-829.
- Shortall, S. (2004) *Social or economic goals, civic inclusion or exclusion? An analysis of rural development theory and practice*. *Sociologia Ruralis* 44(1): 109-123.
- Van der Ploeg, J.G., Marsden, T., (2008). *Unfolding Webs: Enlarging Theoretical Understanding of Rural Development*. In: Van der Ploeg, J.G., Marsden, T. (Eds.). Van Gorcum, Assen.
- Ventura, F., Brunori, G., Milone, P., Berti, G., (2008). *The rural web: a synthesis*. In: Van der Ploeg, J.D., Marsden, T. (Eds.), *Unfolding Webs: The Dynamics of Regional Rural Development*. Van Gorcum, Assen, Netherlands, pp. 149-174.
- Wallis, A. (2002) *the new regionalism: inventing governance structures for the early twenty-first century*. Available online at <http://www.miregions.org/> Accessed 23 August 2011.
- Williams, R. H. (1996). *European Union Spatial Policy and Planning*. London: Chapman publishing, 283 pages.
- Witherick, Michael., Simon Ross and John Small. (2001). *A modern dictionary of geography*, Oxford University Press London and New York.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی